



به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن کارگر بخش جدایی ناپذیر جنبش سندیکایی

تعطیلی و رکود کارخانه‌ها و مراکزهای صنعتی - خدماتی - بیکاری بخش وسیعی از زنان کارگر طی سالیان اخیر را سبب شده است. بر اثر سیاست‌های تبعیض آمیز رژیم ولایت فقیه، دستیابی زنان کارگر به مشاغل صنعتی و حضور آنان در بخش تولید و صنعت بسیار محدود گردیده و به ناچار اغلب زنان کارگر در بخش‌های خدماتی مشغول به کارند. به علاوه گروه بزرگی از زنان کارگر در

کارگاه‌هایی کوچک که از شمول قانون کار خارج اند به کار گرفته می‌شوند. در این کارگاه‌ها از رعایت قانون کار، دریافت دستمزد بر اساس مصوبه شورای عالی کار، بهره‌مندی از حق بازنشستگی، بیمه، و دیگر

ادامه در صفحه ۳

نامه کارگری ضمیمه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۷، ۱۳ اسفند ماه ۱۳۹۷



اتحاد اتحاد، زحمتکشان اتحاد! در حمایت از مبارزه فرهنگیان کشور و در پشتیبانی از مطالبه بازنشستگان

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و کانون صنفی معلمان ایران، در ادامه مبارزه برحقشان به منظور "متوقف کردن روند خصوصی سازی" در خدمات آموزشی، "اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری"، "تأمین بودجه هم‌ترازی (همسان سازی) به میزان حداقل ۱۵ هزار میلیارد تومان"، "پاسخ صادقانه و عملی به کارزار اعتراضی دهها هزار نفر از فرهنگیان نسبت به بیمه‌های ناکارآمد موجود"، "توقف کامل طرح معلم تمام وقت" و تأکید بر "حق فعالیت تشکیلاتی"، با انتشار بیانیه‌هایی در بهمن و اسفندماه سال جاری (۹۷) آزادی معلمان مبارز گرفتار در بند و "اصلاحات مطلوب در بودجه سال ۹۸" را خواستار شدند. عده کثیری از معلمان و بازنشستگان در شهرهای مختلف کشور در روز ۴ بهمن ماه ۹۷ و به دنبال فراخوان‌های قبلی، به "ادارات کل آموزش و پرورش استان‌هایشان" مراجعه کرده و بر خواست‌هایشان که در این بیانیه‌ها مندرج بودند تأکید کردند.

در شرایطی که معلمان بازنشسته کشورمان با دریافت ماهانه زیر خط فقر زندگی می‌کنند و با وجود تحمیل به اصطلاح بیمه‌های "تکمیلی" و افزایش سرسام‌آور نرخ ارز و قیمت کالاهای مورد نیاز روزمره، بار دیگر رژیم ولایت فقیه به وعده‌اش برای "همسان سازی حقوق بازنشستگان" عمل نکرد. "همسان سازی حقوق بازنشستگان با شاغلان هم‌تراز" از "الزامات قانون مدیریت خدمات کشوری" است و در سال ۱۳۸۶ توسط مجلس تصویب شد. برای اجرای این "قانون" برای

کنکاشی در راهکارهای مبارزه برای تقویت نقش جنبش کارگری - سندیکایی در لحظه کنونی

گسترش بحران در کشور و سیر پرشتاب تحول‌ها در آن، حضور سازمان یافته جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما را بیش از پیش ضروری ساخته است. مجموعه رویدادهای چند هفته اخیر از رشد نارضایتی‌ها، افزایش تعداد اعتراض‌ها به شکل‌هایی گوناگون، ارتقای نسبی کیفیت روش‌های مبارزه، خواست‌ها، و شعارهای طبقه کارگر و زحمتکشان در پاره‌ای از حرکت‌های اعتراضی در محیط‌های صنعتی و خدماتی کشور حکایت دارد. در این میان، موضوع چگونگی افزایش و ترمیم دستمزدها و در پیوند با آن لزوم احیای حقوق سندیکایی، اولویت وظایف و مسئولیت‌هایی پراهمیت در مقطع زمانی حساس کنونی است.

رشد و گسترش جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان بر ضد برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه، مخصوصاً مخالفت با خصوصی سازی و به موازات آن طرح مطالبات فوری، به یکی از ویژگی‌های تأمل برانگیز رخدادها و تحول‌های صحنه سیاسی کشور تبدیل شده است. این از نیاز به انجام تغییرهایی در جامعه در راستای حذف استبداد مذهبی و تأمین منافع اکثریت

ادامه در صفحه ۲

بازنشستگان تأمین اجتماعی و فرهنگی، هرکدام ۱۵ هزار میلیارد تومان، بنا به گزارش ۴ اسفندماه خبرگزاری ایلنا، در کل ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه لازم بود. دولت در لایحه بودجه ۹۸ خود به جای ۳۰ هزار میلیارد تومان فقط ۲ هزار میلیارد تومان اعتبار برای همسان سازی بازنشستگان کشوری و نیروهای مسلح در نظر گرفته است. بعد از اعتراض‌های گسترده بازنشستگان، روز ۵ دی ماه، خدادادی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، گفته بود: "۸ هزار میلیارد تومان به ۲ هزار میلیارد مصوب دولت بابت بودجه صندوق بازنشستگی اضافه شده است." اما روز ۲۶ بهمن ماه، احمد همتی، عضو کمیسیون تلفیق بودجه، در این ارتباط به خبرگزاری ایلنا گفت: "افزایش ۸ هزار میلیارد تومانی بودجه همسان سازی، حتی مطرح هم نشده، چه برسد به اینکه تصویب شود!... همسان سازی نمی‌تواند در سال ۹۸ کامل اجرا شود." شریعتمداری، وزیر کار، به خبرگزاری ایلنا، ۲۳ بهمن ماه، گفت: "اجرای طرح همسان سازی حقوق و دستمزد نیازمند بودجه بسیار بالایی است؛ به همین دلیل به مجلس... پیشنهاد اجرای این طرح در بازه زمانی سه ساله را ارائه کرده‌ایم. ... ما افرادی با حقوق ۵۰۰ هزار تومان داریم." به عبارت دیگر، با وجود حقوق "۵۰۰ هزار" تومانی، بار دیگر وعده‌های رژیم برای همسان سازی حقوق‌های بازنشستگان وعده‌ای توخالی بیش نبود. پنج تشکل بازنشستگان با انتشار بیانیه‌ای مشترک در ۲۹ بهمن ماه و اشاره به گسترش فلاکت

ادامه در صفحه ۳

پیش به سوی سازمان دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه کنکاشی در راهکارهای مبارزه ...

مردم در مرحله کنونی ناشی می‌شود. مبارزه زحمتکشان میهن ما نیز در این چارچوب و در پیوند ارگانیک با چنین نیاز عینی‌ای جریان و تداوم داشته است. به عبارت دقیق‌تر، بستر و زمینه‌های رشد و گسترش جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان در بطن تحول‌های صحنه سیاسی کشور و مبارزه حاد طبقاتی در جامعه قرار دارد.

یک‌رشته اقدام‌های هدفمند از سوی رژیم در عرصه‌های مختلف در ضديت با حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان و دستبرد زدن به آن‌ها را در هفته‌های اخیر شاهد بوده‌ایم. پس از طرح موضوع مزد "توافقی" و به‌دنبال آن تلاش برای تأمین منافع بنیادهای انگلی و مؤسسه‌های خیریه و تصویب در مجلس، طرح اصلاحات "پراسنج" قانون تأمین اجتماعی هم‌زمان با جوسازی برنامه‌ریزی شده ارگان‌های امنیتی بر ضد فعالان سندیکایی نیز به صحن علنی مجلس آمد. پرواضح است که رژیم ولایت فقیه با آگاهی از ژرفش بحران در کشور و ناتوانی‌اش از پاسخ‌گویی به خواست‌های توده‌های مردم و به‌ویژه زحمتکشان، مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدفش را رویارویی و مهار جنبش اعتراضی زحمتکشان و جلوگیری از بالا رفتن سطح سازمان‌دهی و همبستگی در جنبش کارگری و پیوند آن با مبارزات همگانی ضد استبدادی بازتعریف و اولویت‌بندی کرده است. دقیقاً در بطن این سیاست به‌دقت محاسبه شده است که انواع طرح‌های ضد کارگری سلسله‌وار در دستورکار قرار می‌گیرند و مانورهایی فریبکارانه به‌منظور کنترل اعتراض‌ها اجرا می‌شوند. رژیم ولایت فقیه در تلاشش به‌هدف کنترل کردن جنبش همگانی بر ضد استبداد و تضعیف آن - که با پیوند یافتنش با مبارزات گردان‌های مختلف جنبش اجتماعی دیگر و از جمله مهم‌ترین آن یعنی جنبش کارگری استخوان‌بندی‌اش تقویت می‌شود - جنبش کارگری را در حالتی تدافعی محبوس و منجمد کند. رژیم در این جهت علاوه بر پیگرد و سرکوب فعالان سندیکایی، می‌کوشد دستاوردهای طبقه کارگر (و به‌تبع آن حقوق کارگران) را به‌غارت برد و به‌زعم خود و مطابق نقشه‌ای دقیق نفس جنبش کارگری را در مجاری طرح‌ها و قانون‌های کارگرسینز بند آورد و با وارد آوردن فشارهایی سیستماتیک توان آن را بفرساید. نباید فراموش کنیم که از سوی دیگر اجرای نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و اصولاً سمت‌گیری اقتصادی اجتماعی رژیم تسه‌م نقله و حلقه‌ انصالی است که رژیم به‌وسیله آن‌ها در پیش کشاندن خود و سهمیم شدن در تقسیم و بازتقسیم بازار کار سرمایه جهانی و همسویی و نزدیکی بیشترش با امپریالیسم بهره می‌برد. در همین زمینه معین است که سیاست‌هایی نظیر مقررات‌زدایی، انعطاف در بازار کار، و اصلاح قانون کار مطرح و مطابق با زمینه‌های اجتماعی آن اجرا می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، اجرای چنین برنامه‌هایی از اصول تغییرناپذیر رژیم است که خامنه‌ای در چارچوب اصلاحیه اصل ۴۴ و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بران تأکید کرده است و اتفاقاً در بیانیه تفصیلی اخیر ولی فقیه به‌مناسبت چهلین سالگرد انقلاب که با نام "گام دوم انقلاب" تبلیغ می‌شود نیز زیر عنوان: "صدی‌گری نکردن دولت"، بران پافشاری شده است. در همین زمینه سخنان اخیر حسن روحانی درباره واگذاری "شستا" آن‌چه را که به آن اشاره کردیم به‌روشنی تأیید می‌کند. بنابراین، برخلاف تبلیغات رایج، مطرح کردن یک‌رشته برنامه‌ها و لایحه‌های ضد کارگری در این مقطع زمانی به‌هیچ‌روی اتفاقی نیست و آن را امری تصادفی و جدا از سرشت استبداد حاکم نباید قلمداد کرد.

راهکارهایی متفاوت به‌منظور مبارزه کارگران و زحمتکشان در چنین اوضاعی از سوی نیروهای سیاسی و فعالان صنفی و اجتماعی ارائه، تبلیغ و ترویج می‌شود. بر پایه یک دیدگاه راهکاری ارائه می‌شود که هسته مرکزی و محوری آن عبارت است از رعایت قواعد و مقررات جاری نظام با پوشش و رنگ و لعاب به‌اصطلاح مبارزه صنفی، چنین راهکاری صرفاً جنبه صنفی و رفاهی جنبش اعتراضی کارگران را برجسته کرده و عبور از شرایط کنونی و تأمین برخی مطالبات صنفی را به رعایت نظم موجود و عبور نکردن از خط قرمز نظام منوط می‌کند. این راهکار، جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان و اعتراض‌های رو به گسترش کارگری را به زائیده جناح‌های حکومتی تبدیل کرده که هم‌خط و هم‌سو با تشکل‌های زرد حکومتی نظیر خانه کارگر عمل و فعالیت می‌کنند. راهکاری دیگر، سازمان‌دهی از بالا را در اولویت قرار می‌دهد و نسبت به حضور توده‌های کارگر در مبارزات جاری بی‌اعتنا یا کم‌اعتنا است. این راهکار با بی‌توجهی به بدنه کارگری، اثرگذاری بر اعتراض‌های کارگری از طریق تشکیل کمیته‌ها و صندوق‌ها و از این قبیل

امور را هدف قرار داده و برای آن فعالیت می‌کند. این نوع بینش بیشتر در فضای مجازی فعال است و با بدنه کارگری و صحنه واقعی مبارزه بسیار ضعیفی دارد. این نوع راهکار، به‌دلیل‌هایی متعدد، امکان مصادره مبارزه به‌حق زحمتکشان به‌وسیله جناح‌های حکومت یا ارگان‌های امنیتی نیز امپریالیسم را مستقیم و غیرمستقیم، آگاهانه یا ناآگاهانه تا حد معینی فراهم می‌آورد، و از آنجا که به سازمان‌دهی از بالا و بی‌ارتباط با توده‌های کارگر معتقد است، استقلال عمل طبقاتی در مبارزات جاری را نفی می‌کند و لاجرم در مبارزه حتی با انگیزه سالم هم نمی‌تواند نقشی مؤثر داشته باشد. ضروری است بر این نکته مهم تأکید کنیم که، میان استفاده کامل و ماهرانه از همه امکانات به‌ویژه از امکانات فضای مجازی به‌منظور افشاگری، تبلیغات، سازمان‌دهی و پیشبرد هدف‌های مبارزاتی که لازم و پراهمیت‌اند، با استفاده راهکار یاد شده از فضای مجازی تفاوتی کیفی و اصولی وجود دارد. منظور ما ارتباط نداشتن با بدنه کارگری و داشتن صرفاً فعالیت محفلی در فضای مجازی بدون ارتباط زنده و مؤثر با مبارزات جاری کارگران و زحمتکشان است. البته هریک از این راهکارها که به آن‌ها اشاره کردیم، از جزئیاتی متنوع و گسترده برخوردارند که تحلیل زاویه‌های مختلف آن در این مقاله کوتاه امکان‌پذیر نیست. در اوضاع حساس کنونی مهم‌ترین مسئله در مبارزات کارگری و سندیکایی تکیه به توده‌های کارگر و سازمان‌دهی و رهبری اعتراض‌ها است. باید تأکید کرد که در بسیاری از راهکارهای یاد شده به آنچه که کمتر توجه شده نقش توده‌های کارگر، سطح آمادگی، میزان آگاهی طبقاتی، چه در عرصه عام و چه در عرصه خاص آن یعنی آگاهی سندیکایی، است. با درنظر داشتن زمینه‌های عینی و ذهنی موجود، جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان در مقایسه با گذشته، بی‌گمان گام‌هایی بلند و امیدوارکننده به‌پیش برداشته است و میزان معینی از آمادگی در توده‌های کارگر در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به‌چشم می‌خورد که با دقت باید به آن توجه نشان داد و در جهت قوام و تقویتش همه‌جانبه مبارزه کرد. درست به‌همین علت راهکاری را باید برجسته و عمده ساخت که تکیه به توده‌های وسیع کارگران و سازمان‌دهی آنان محور و کانون اصلی آن باشد. در این زمینه تجربه مبارزه کارگران نیشکر هفت‌تپه، پولاد اهواز، هپکو اراک، ماشین‌سازی تبریز، تکنسین‌ها و کارگران فنی برق و توانیر و نیز فرهنگیان به‌خوبی ثابت می‌کند که کارگران از حدی مشخص از آمادگی و آگاهی برای حضور در اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها برخوردارند. در صورت سازمان‌دهی صحیح، احیای حقوق سندیکایی و تجهیز به شعارهای مؤثر می‌توان کارزارها و حرکت‌های اعتراضی را گسترش باز هم بیشتری داد. یکی از آخرین نمونه‌هایی که میزان آمادگی و آگاهی زحمتکشان را نشان می‌دهد، کارزار تحصن سراسری فرهنگیان در روزهای ۱۲ تا ۱۴ اسفندماه است. با جمع‌بندی نکته‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، باید یادآور شویم که راهکار مبتنی بر تشدید مبارزه بر پایه تلفیق خواست‌های سیاسی و صنفی و مخالفت در برابر اقدام‌های ضد کارگری رژیم با استفاده از همه امکانات موجود در شرایط کنونی می‌تواند در اولویت قرار گیرد و بنیه جنبش کارگری و توأم با آن بنیه جنبش ضد استبدادی را تقویت کند. نکته مهم دیگر اینکه، اهمیت پیوند اعتراض‌های پراکنده به‌یکدیگر لحظه‌ای نباید فراموش شود و در هر تجمع، اعتصاب، تحصن و گردهمایی باید بر آن پافشاری کرد. با استفاده از همه امکانات باید بین توده‌های کارگر حضور یافت و فعالیت کرد. سازمان‌دهی اعتصاب‌ها، طرح شعارهای صحیح و منطبق با ظرفیت و توان جنبش، وظیفه‌ای درنگ‌ناپذیر بوده و هست. فقط و فقط با مبارزه متحد و متشکل و با اتحاد عمل فراگیر می‌توان در برابر یورش رژیم مقاومت و با آن مقابله کرد و سرانجام بران غلبه یافت. اکنون جلسه‌های شورای عالی کار برای تعیین دستمزد ۹۸ برگزار می‌شود. در آستانه آمدن نوروز به‌دلیل ژرفش بحران در محیط‌های کارگری نارضایتی افزایش یافته است، بنا بر این، موضوع افزایش دستمزد و توقف مقررات‌زدایی بیش‌ازپیش خواست زحمتکشان است. با شدید شدن مبارزه و به‌کارگیری سلاح اعتصاب، در راه تأمین منافع صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان باید به‌پیش گام برداشت. سازمان‌دهی، اتحاد عمل، و اعتصاب، راه مبارزه با رژیم ولایت فقیه است. وظیفه عاجل کنونی تحکیم پیوند میان گردان‌های جنبش مردمی با تقویت جایگاه جنبش کارگری در مبارزه بر ضد استبداد مذهبی است.

ما خواهان آزادی بی‌قیدوشرط کارگران گرفتار در بند و پایان دادن به پیگرد و شکنجه فعالان سندیکایی بدون استثناء هستیم!
به شکنجه و اعتراف‌گیری اجباری پایان دهید!
کارگر زندانی آزاد باید گردد!

ادامه زنان کارگر ...

مزایای قانونی خبری نیست. در حقیقت زنان کارگر در شرایطی فوق العاده غیرانسانی و ناگوار در کارگاه‌هایی کوچک و بخش خدمات و ادار به کار می‌شوند. آمار بیکاری زنان دو برابر مردان است. مطابق آمار، زنان کارگر یک سوم مردان دستمزد دریافت می‌کنند. زنان کارگر به تجربه روزمره دریافته‌اند که بدون برپایی و عضویت در سندیکاهای واقعی که بر پایه صحیح طبقاتی سازمان داده شده باشد، قدرت تأمین حقوق و دستیابی به خواسته‌هایشان را نخواهند یافت.

زنان کارگر به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر طبقه کارگر ایران خواستار احیای حقوق سندیکایی و حق تشکلیابی و اعتصاب هستند. یکی از جدیدترین و اصلی‌ترین مطالبه زنان کارگر دریافت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان است.

مطرح کردن خواسته‌ها و حقوق زنان کارگر و مبارزه برای تحقق آن‌ها بخشی از مبارزه جنبش سندیکایی موجود کارگران ایران است. جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان ایران وظیفه دارد مطالبه‌ها و خواسته‌های زنان کارگر و شاغل را مطرح و برای تحقق آن‌ها در چارچوب منافع صنفی - طبقاتی کارگران اقدام و مبارزه کند. زنان کارگر بخش جدایی‌ناپذیر طبقه کارگر ایران‌اند و در مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و حق برپایی سندیکا و تأمین منافع کارگران نقشی مؤثر برعهده دارند.

برخی از مهم‌ترین و فوری‌ترین مطالبات زنان کارگر و دیگر زنان زحمتکش مانند کارمندان اداره‌های خصوصی و دولتی، پرستاران و معلمان زن و زنان سرپرست خانوار عبارتند از:

- زنان کارگر و شاغل در برابر کار مساوی با مردان مزد مساوی دریافت کنند؛

- به تبعیض در اشتغال پایان داده شود؛

- تبعیض جنسیتی در برخورداری از کار مناسب پایان یابد؛

- حق انتخاب پوشش و آزادی آن برای زنان کارگر و همه زنان شاغل تضمین شود؛

- محل شغلی زنان کارگر و شاغل در دوران استراحت قبل و بعد از زایمان محفوظ بماند و کارفرما حق اخراج او را نداشته باشد؛

- اشتغال زنان در کارهای سخت و زیان‌آور طبق معیارهای بین‌المللی تعیین شود و اجبار زنان به اشتغال در این نوع کارها قذغ گردد؛

- برای تمام کارگران و از جمله زنان کارگر بدون استثنا بیمه بیکاری برقرار گردد؛

- حق زنان در استفاده از مرخصی قبل و بعد از زایمان به رسمیت شناخته شده و اجرا شود؛

- کار کارگران کمتر از ۱۶ سال ممنوع و برای کودکان خانواده‌های کارگری و در درجه اول زنان کارگر که سرپرست خانوار هستند، در سنین ۱۴ تا ۱۶ سالگی کارآموزی با دریافت حقوق در نظر گرفته شود؛

- شرایط پرداخت حق اولاد با توجه به منافع زنان کارگر تعیین شود و حق اولاد شامل تمامی زنان کارگر (خصوصاً سرپرست خانوار) گردد؛

- هر نوع تبعیض در حق زنان کارگر و شاغل به‌ویژه در زمینه حق بازنشستگی، انتخاب شغل و حق بیمه الفا گردد؛

این مطالبات در عین حال از زمره خواسته‌ها و آماج‌های جنبش سندیکایی کارگران ایران نیز هست. زنان کارگر به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر طبقه کارگر می‌توانند و باید در مبارزات صنفی - سندیکایی نقشی مهم و تأثیرگذار داشته باشند.

ادامه اتحاد، اتحاد...

عمومی و تأکید بر "میثاق و پیمانی" که بسته‌اند: "تا حق خود نگیریم، از پای نمی‌نشینیم"، برای تجمع اعتراضی دیگری در ۵ اسفندماه مقابل مجلس فراخوان داده بودند. روز ۵ اسفندماه، علاوه بر تجمع اعتراضی "بازنشستگان فرهنگی، علوم پزشکی و فولاد" در مقابل استانداری اصفهان، بازنشستگان صندوق‌های مختلف بعد از برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل مجلس، به سمت سازمان برنامه و بودجه راهپیمایی کردند.

شعارهای تظاهرکنندگان عبارت بودند از: "معلم زندانی آزاد باید گردد! کارگر زندانی آزاد باید گردد! فریاد، فریاد از اینهمه بیداد؛ تورم، گرانی، جواب بده روحانی؛ مجلس، دولت، بس است فریب ملت؛ یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه؛ حقوق ما ریالیه، هزینه‌ها دلاریه". همان‌طور که بازنشستگان مبارز در بیانیه مشترک و فراخوان‌شان نوشته بودند: "برای جلوگیری از تعرض بیشتر به سطح زندگی و برای بهبود وضعیت معیشت و درمان خود با حضور متحدانه، نیازهای بودجه زندگی‌مان را در کف خیابان فریاد خواهیم زد"، باید خواسته‌های برحق خود را متحدانه در کف خیابان فریاد زد.

ادامه امنیت و آینده شغلی ...

بیشتر سود به کار می‌برند، ولی برای نیازها و الزام‌های اقتصادی - اجتماعی و کار حاضر نیستند مسئولیتی را به‌عهده بگیرند. برای چه و تا کی باید همه هزینه‌ها را کارگران و زحمتکشان پرداخت کنند؟

کارگران و سندیکاها در چنین شرایطی چه باید بکنند؟ که در ارتباط با لزوم تغییر کارخانه خودروسازی، هم برای کارگران و هم برای کارفرمایان پرسش‌هایی به‌وجود آمده‌اند که تا کنون بی‌پاسخ مانده‌اند. پاسخ‌هایی جامع‌تر لازم است: فقط با فشار از پایین به مرکز کنسرن‌هاست که می‌توان صاحبان سرمایه را به پذیرش مسئولیت واداشت.

حزب کمونیست آلمان خواهان:

* اخراج نکردن کارگران:

* پیروی از قراردادهای دسته‌جمعی در جهت برقراری امنیت شغلی؛

* توسعه گزینش‌های دیگر در ارتباط با تولید از راه هم‌فکری و تصمیم جمعی و مشارکت کارگران کارخانه و سندیکا، است.

این بحران بخشی از بحران عظیم مالی است. بیش از پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) کارگر و کارکنان مختلف، دستمزد و معیشت‌شان را از این شاخه اقتصادی تأمین می‌کنند و همچنین واضح است که دو شغلی که در زمینه پذیرش سفارش‌ها و تحویل کالا فعال‌اند، در صنعت خودروسازی به یک شغل وابسته‌اند. از بین بردن هزار و ششصد شغل در کارخانه فورد امنیت شغلی بسیاری دیگر از زحمتکشان را به‌مخاطره خواهد انداخت. این، برای حکومت ائتلافی در ایالت "زارلند" باید علامت خطری جدی باشد. علاوه بر آن، سناریوی بحران در فورد به‌طور چشمگیری نشان می‌دهد که به‌اجرا درآوردن طرح تولید خودروهای برقی با ایجاد خط تولید مناسب در زارلند تهدیدکننده است. دولت طرحی ندارد که با آن علیه این خطر به‌شکلی مؤثر مقابله کند و تهدید از بین رفتن این صنعت را در این استان بی‌اثر کند. این، اعلام ورشکستگی سیاست اقتصادی است. اگر به‌همین ترتیب و کورکورانه به نیروهای شفاف‌بخش بازار اعتماد بشود، اگر برخلاف این سیاست‌ها اقدامی نشود، صنعت خودروسازی زارلند در تنگنای تهدیدآمیز و بحران فناوری در زمینه موتورهای احتراقی و دیجیتالی قرار می‌گیرد. در حال حاضر و در بازار کار، تعدادی از شاغلان که از مهارت کمتری برخوردارند در معرض خطر قرار دارند، زیرا نمی‌توان آنان را در بخش رو به توسعه تکنیک اطلاعاتی جایگزین کرد. تنها گزینه‌ای که برای آنان، همچون هزاران نفر دیگر، باقی می‌ماند کار کردن در بخش‌های خدماتی و دریافت دستمزدهایی به‌مراتب بدتر از قبل است. به‌همین دلیل نه‌تنها آینده تک‌تک علاقه‌مندان به کار و زحمت، بلکه آینده مجموع ایالت زارلند در معرض خطر قرار دارد.

ما خواهان تغییر سیاسی‌ای ریشه‌ای هستیم که قبل از هر چیز باید:

* طرح تبدیل موتورهای احتراقی در صنعت خودروسازی با توجه به منافع اجتماعی نیروی کار، طبقه کارگر به‌اجرا درآید؛

* شورای ایالت ابتکار وضع قانون منع اخراج کارگران در کنسرن‌ها را به‌دست گیرند؛ کنسرن‌هایی که خواهان به‌دست آوردن سودهای بالا هستند و شوراهای ایالت باید از واگذاری شرکت‌ها به دست فاسدان و چپاول‌گران ممانعت به‌عمل بیاورند؛

* قانون‌های کار و کارگری گسترش و اجرایی گردند. به‌عنوان مثال، حق اعتراض و اعتصاب در مورد اخراج، و مخالفت با واگذاری شرکت به سرمایه‌گذاران به رسمیت شناخته شود.

ترجمه از: "عصر ما"، روزنامه حزب کمونیست آلمان.

تهیه مطلب از: "فرد هرگر"، کمیته کار و مسائل سندیکایی

حزب کمونیست آلمان - ایالت زارلند

تاریخ انتشار: ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۹۷

سوسیالیستی، انسانی، دموکراتیک و انترناسیونالیستی و جامعه همبسته امری ضرور است...

ترجمه از سایت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، به تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۹۷

امنیت و آینده شغلی طبقه کارگر باید تضمین شود! فناوری‌های نوین، منافع کارگران، و وظایف سندیکاهای

کارخانه "فورد" آلمان کاهش شدید نیروی کار را با این عنوان اعلام کرد: پایان خط تولید خودرو "س.ماکس" و تغییر سه شیفت کاری به دو شیفت در "سارلویس". در نتیجه این تغییرها هزارو ششصد (۱۶۰۰) شغل از شش هزارو سیصد (۶۳۰۰) شغل در معرض تهدید قرار گرفته‌اند و توافقی که برای تضمین امنیت شغلی کارگران در این کارخانه صورت گرفته بود عملاً به شکست کشانده شده است. مدیر کارخانه فورد آلمان، گونر هرمان، برای نقض این قرارداد موافقت کارگران را خواهان شده است و گفته است که فقط با این شرط می‌توان کارخانه فورد سارلویس را تا سال ۲۰۲۴ سر پا نگه داشت و بعد از سال ۲۰۲۴ باید دید که چه مدل تولیدی مناسبی را می‌توان جایگزین آن کرد. او با این گفته می‌خواهد کارگران را در فشار بگذارد. این گفته‌ها بیانگر آن است که هیچ برنامه درازمدتی برای امنیت آینده شغلی کارخانه و کارگران آن وجود ندارد. با این حرف‌ها ترس و نگرانی رو به افزایش کارگران از آینده از بین نمی‌رود. با فرمان‌های اتحادیه اروپا، کارخانه فورد دوره سختی را به کارگران تحمیل خواهد کرد.

درحالی که این خط تولید در آمریکا از رونق افتاده، فروش آن در بازار آلمان مدت شش سال متوالی در حال رشد است. باهمه این‌ها، کنسرن فورد می‌خواهد طرح حذف سامانه‌ها و مشاغل را با تمام مخالفت‌هایی که با آن می‌شود در اروپا به پیش ببرد. بنا به گفته گونر هرمان همه‌جا هزینه‌ها با نیروی کار مرتبط است و باید مورد بازبینی قرار بگیرند: اضافه‌کاری، کار آخر هفته، کار آزاد و مسائلی از این قبیل. چند سال پیش کارگران کارخانه "گنک" در بلژیک با مقاومت علیه این‌گونه اقدام‌ها کارخانه را به تعطیلی کشاندند. کنسرن فورد می‌خواهد در میانه سال ۲۰۱۹ دو کارخانه دیگر در بلانکوفورت فرانسه و انگلستان را تعطیل کند. هدف از این برنامه فورد افزایش فشار بیشتر بر کارخانه‌ها و ایجاد رقابت میان کارفرماها به‌منظور شتاب بخشیدن به روند فروش کارخانه است. هنوز کاملاً معلوم نیست که از تولید فورد در اروپا چیزی باقی بماند.

بحران ازدیاد تولید در سطح جهان، تأثیرها را و همچنین ضربه‌هایش را در مدت زمان طولانی روی نمودارهای فروش شرکت‌های خودروسازی بازتاب داده است. در این ارتباط علل ساختاری نیز مداخله دارد. مدتی طولانی و به‌عمد، شرکت‌های تولید خودرو چالشی را که بر سر راهشان بود و می‌توانستند حتی جایگزینی برای موتورهای با سوخت فسیلی پیدا کنند و توسعه بدهند آگاهانه نادیده گرفتند. با فریب و نیرنگ رعایت استانداردهای قانونی را دور زدند و مشتریان را فریب دادند. تنها چیزی که برای مدیران و سهامداران مهم است و به آن فکر می‌کنند، به‌دست آوردن سود در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. تمام اختلاف‌هایی که این اواخر میان کار و سرمایه در فورد، و قبلاً در کارخانه ریخته‌گری "هالبرگ" جدید، کارخانه تولید پیچ "بکینگر" و جاهای دیگر به‌وجود آمده‌اند، نشان می‌دهند که در درون سیستم تضادی اساسی وجود دارد: کنسرن‌ها و صاحبان سرمایه همه توان‌شان را برای به‌دست آوردن هرچه

ادامه در صفحه ۳

وحدت در صف‌های جنبش سندیکایی، رمز پیروزی است!

چهاردهمین همایش اتحادیه بین‌المللی سندیکاهای کارکنان صنایع حمل‌ونقل، ماهیگیری و ارتباطات- ترکیه، استانبول، ۱ و ۲ مارس ۲۰۱۹ / ۱۰ و ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۷



شورای عمومی اتحادیه بین‌المللی سندیکاهای کارکنان صنایع حمل‌ونقل، ماهیگیری و ارتباطات، با درودهای گرم و برادرانه خود از اتحادیه‌های کارکنان صنایع حمل‌ونقل و انتقال کالا، کارکنان سامانه‌های مسافری عمومی، صنایع تجارت دریایی، کشتی‌رانی، حمل‌هوایی، ماهیگیری و ارتباطات از پنج قاره جهان را برای شرکت در چهاردهمین کنگره جهانی تی-یو-ای دعوت می‌کند، این کنگره در روزهای اول و دوم مارس ۲۰۱۹ (۱۰ و ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۷) در شهر استانبول در ترکیه با دستورکار زیر برگزار شد.

دستورکار کنگره:
۱. بحث و رأی‌گیری در مورد متمم اساسنامه؛
۲. بررسی و رأی‌گیری پیرامون گزارش فعالیت‌های انجام پذیرفته و گزارش مالی که توسط دبیرکل ارائه شده است؛
۳. بحث و رأی‌گیری در مورد اقدامات عملی برای سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲؛

۴. انتخاب شورای عمومی، دبیرکل و دبیر عمومی تی-یو-ای؛
۵. تصویب پیام‌ها، پیشنهادها، قطعنامه‌های مربوط به جنبش اتحادیه‌های طبقاتی.

بخش‌های گوناگون کارگران و زحمتکشانی که ما نمایندگی آنان را داریم از شرایط سخت اقتصادی، سیاسی، بحران‌های اجتماعی و فرهنگی در رنج‌اند، و این وضعیت نتیجه بحران مالی عمیق سرمایه‌داری بوده است که شرکت‌های چندملیتی، الیگارش‌های امریکا، اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به‌وجودش آورده‌اند.

اخراج‌ها، بیکاری، کارگر با قراردادهای موقت و کار پاره‌وقت، کاهش دستمزدها، محرومیت از حقوق اجتماعی، به زحمتکشان آسیب می‌زند.

به‌عنوان کارگران صنایع حمل‌ونقل، ماهیگیری و ارتباطات ما می‌باید واکنش نشان داده و برای دستیابی به حقوق اجتماعی مان سازمان‌دهی و مبارزه کنیم. این بحران ابعاد جهانی دارد؛ پاسخ زحمتکشان هم باید سازمان‌دهی‌ای هماهنگ با این ابعاد داشته باشد. بنابراین، ما قویاً مبارزه قدرتمند و متشکل با شرکت‌های چندملیتی و دولت‌های نولیبرال را خواستاریم. ما از همه اتحادیه‌ها و سندیکاهای در همه قاره‌ها می‌خواهیم که در این کنگره مهم جهانی شرکت و دعوت می‌کنیم که به اتحادیه کارکنان صنایع حمل‌ونقل، ماهیگیری و ارتباطات تی-یو-ای (عضوی از فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری) بپیوندند. اتحاد سندیکاهای طبقاتی در مبارزات مشترک علیه استثمار و تغییر شرایط کاری و ساختن آینده

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org
آدرس‌های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۱۷
Nameh Mardom - Workers Supplement No. 17

4 March 2019

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

